



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارشد
علیه
اصحاب
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

جایگاه

فرض الحسنه

در اندیشه‌ی اسلامی و تفکر رضوی

نویسنده: مهدی آقابابایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه قرض الحسنه در اندیشه ی اسلامی و تفکر رضوی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|--|----|
| فهرست | ۵ |
| جایگاه قرض الحسنه در اندیشه‌ی اسلامی و تفکر رضوی | ۶ |
| مشخصات کتاب | ۶ |
| چکیده | ۶ |
| واژگان کلیدی | ۶ |
| قرض در مفهوم لغت | ۷ |
| قرض در اصطلاح حقوقی | ۷ |
| قرض در قرآن کریم | ۸ |
| پاداش قرض | ۹ |
| مقصود از قرض دادن به خداوند | ۱۱ |
| قرض الحسنه و صدقه | ۱۳ |
| قرض سنت جاودان | ۱۳ |
| حکم قرض دادن و گرفتن | ۱۴ |
| ثواب وام دادن و عقاب ترک آن | ۱۴ |
| چاره‌ای از پرداخت بدهی نیست | ۱۴ |
| باید قصد پرداختن داشته باشد | ۱۵ |
| ثواب صدقه برای مهلت هر روز | ۱۸ |
| از حسنات به طلبکار می‌دهند | ۱۸ |
| قرض الحسنه در سیره امام رضا علیه‌السلام | ۲۰ |
| ۱- قرض الحسنه و آخرت | ۲۰ |
| ۲- برخورد با بدهکار | ۲۰ |
| ۳- فلسفه‌ی تحریم ربا | ۲۱ |
| درباره مرکز | ۲۷ |

مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی آقابابایی

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

چکیده

یکی از سنت‌های حسنه و الهی قرض الحسنه می‌باشد. که در این مقاله درباره جایگاه قرض الحسنه در اندیشه‌ی اسلامی و سیرهای رضوی علیه‌السلام بحث نموده‌ایم؛ و برای روشن شدن این فریضه از فرهنگ لغت، قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام بهره‌های کامل را بردیم و در پایان هم قرض الحسنه را در سیرهای رضوی علیه‌السلام و روایاتی که از آن بزرگوار پیرامون قرض و قرض الحسنه بوده و فلسفه‌ی تحریم ربا بحث نموده‌ایم، و در کلمه ای حضرت در باره فلسفه تحریم ربا فرموده‌اند: ربا باعث می‌شود که قرض الحسنه و اعمال نیک در جامعه از بین برود؛ و اینک مطالب را تقدیم به دوستداران سنت حسنه می‌نماییم.

واژگان کلیدی

قرض الحسنه، ربا، وام، قرض، روایات، آیات و ...

مقدمه:

قرض الحسنه سنت اسلام است که اقتصاد را در خدمت عقیده می‌گیرد.

قرض الحسنه، تجلی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و مبانی عقیدتی بر سودجویی‌های اقتصادی است.

قرض الحسنه، نوعی ایثار است و ربا یکی از انواع پلید استثمار.

قرض الحسنه، همان اندازه ارزشمند است که ربا ضد ارزش است.

قرض الحسنه، وام دادن به خداست و کدام مؤمن است که از وام دادن به خدا احساس تردید یا پشیمانی نماید؟

سوء استفاده از این سنت اصیل قرآنی هرگز نمی‌تواند بهانه‌ای برای گریز و احیاناً برخورد با این مستحب قطعی اسلام باشد.

بیاییم در پرتو انوار قرآن و معصومین علیهم السلام زندگی را از معنویت و ایثار سرشار سازیم و این سنت مذهبی را بار دیگر

در جامعه‌ی بزرگ اسلامی با اهداف و شیوه‌های خداپسندانه آن؛ احیاء نماییم.

قرض در فرهنگ اسلامی

قرض، جزیی از ارکان یک نظام اقتصادی است که دارای نتایجی اجتماعی می‌باشد و در قرآن و روایات به اهمیت آن تاکید

فراوانی شده است.

نظام ربوی یک نظام اقتصادی است که درست در مقابل قرض الحسنه جای دارد. اگر هدف نظام ربوی را بخواهیم در یک

جمله خلاصه کنیم، عبارت است از: افزایش سود و سرمایه و ایجاد روحیه‌ی تکاثر و ظلم و زور.

اما قرض نتایجی، چون زنده کردن روح عطوفت در جامعه و ایجاد قسط و عدالت دارد. مختصر اینکه ربا بر ظلم و تعدی و

جمع کردن مال بنا شده و قرض بر ایثار و احسان و مردم‌داری استوار گشته است.

از این رو قرض، ربا را از صحنه‌ی اقتصادی بیرون می‌کند. در قرآن ربا نظام زشت و منکر اقتصادی شمرده شده است و به قرض توصیه و تاکید شده و این دو قابل جمع نیستند به این صورت که بر سیستم اقتصادی هم نظام ربوی حاکم باشد و هم نظام قرض‌الحسنه و میانشان نهایت تضاد و افتراق می‌باشد.

قرض در مفهوم لغت

«قرض» واژه‌ای است عربی که معادل فارسی آن «وام» است، این کلمه در اصل به معنی قطع کردن و بریدن است. قرض: نوعی است از بریدن، قطع مکان و گذشتن از آن را قطع مکان و قرض مکان گویند. (مفردات راغب). «وَ إِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ هُمْ فِي فُجُوءٍ مِنْهُ» (۱) چون آفتاب غروب می‌کرد از آن‌ها به طرف شمال متمایل می‌شد و آن‌ها در کهف در وسعت بودند. طبرسی فرموده: اصل آن بریدن با دندان است و وام را قرض گویند که شخص جزئی از مال خود را قطع کرده به دیگری می‌دهد به نیت اینکه خود مال یا بدل آن را بعداً بدهند.

اقراض به معنی قرض دادن است: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ...» (۲) ماده‌ی اقراض در قرآن همه جا در باره‌ی قرض دادن به خدا آمده و همه با وصف «حَسَنًا» مقید شده است اتفاق در راه خدا قرض دادن به خدا خوانده شده که آن از طرف خدا برگردانده خواهد شد و اشاره به حتمی بودن مزد آن است.

قید «حسن» ظاهراً مفید آن است که اتفاق از مال پاک و با نیت پاک و با قصد قربت باشد و بعداً پشیمان نگردد و با نیت و اذیت بعدی توأم نباشد به نظر جمله «لَا- يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مِّنَّا وَلَا- أَذَى-... يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۳) بیان «حسن» است.

می‌شود گفت همه‌ی اعمال نیک اعم از بدنی و مالی قرض‌الحسنه‌اند که آن‌ها به خدا تحویل می‌شوند و خدا در مقابل پاداش خواهد داد آیه اَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ... (۴) دلیل آن است و گر نه ایتاء زکوة داخل در قرض‌الحسنه می‌باشد.

در قرآن مجید قرض به معنی «وام» متداول بکار نرفته بلکه همه در عمل نیک و یک جا در معنی تجاوز استعمال شده که در اول ذکر شد. (۵)

قرض در اصطلاح حقوقی

در قانون مدنی ایران ماده‌ی ۶۴۸ ضمن استعمال واژه‌ی قرض از آن چنین تعریف شده است:

«قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور، مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد». (۶) در این ماده قانون هم به قرض و هم قیمی و هم قرض با کالا و هم با نقد و پول اشاره شده است.

تاریخچه قرض‌الحسنه

«قرض‌الحسنه» جزئی از ارکان نظام اقتصادی اسلام است و در مقابل آن رباخواری قرار دارد. در دوران جاهلیت قرض در میان مردم متداول بوده است.

ولی فردی که به دیگری قرض می‌داد، معمولاً از بدهکار بیش از آنچه به او داده بود طلب می‌نمود و یا این که از او هدیه‌ای گرفته و یا بدهکار را برده و بنده خود دانسته و یا بر او منت می‌نهاد. در این شرایط اسلام با آوردن واژه «حَسَنَه» آن سیستم غلط را که ارمغانی برای جامعه جز افزایش سود و سرمایه رباخواران و بدبختی سایر اقشار جامعه به همراه نداشت رد نمود و با تشویق مردم به دادن وام بدون بهره روح عطوفت و برادری و عدل را در مسلمانان زنده نمود. باید توجه داشت که در اقتصاد اسلامی که هدف آن اجرای عدالت اجتماعی است باید همه فرمول‌ها و داروهای که برای شفای جامعه اسلامی تجویز شده به کار گرفته شود تا نتیجه مورد نظر بدست آید. در نتیجه «قرض الحسنه» هنگامی می‌تواند کار آیی کامل و نتیجه عالی داشته باشد که دیگر اصول اقتصادی اسلام چون تولید، کار، ایثار، تعاون و همیاری و پرداخت واجبات مالی چون زکات و خمس نیز در کنار آن قرار گیرد. (۷)

در تاریخ اسلام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنیان گذار اولین صندوق امانت بودند، ایشان از زمانی که در مکه زندگی می‌کردند مورد اعتماد و امانت مردم بودند و امانت مردم را برای آن‌ها نگه داری می‌کردند و از این جهت «محمد امین» لقب یافته بودند و آن گاه که به دستور خداوند عازم مدینه شدند، چون خود فرصت رساندن امانت‌های مردم را نداشتند، حضرت علی علیه السلام را مأمور برگرداندن امانت‌های مردم کردند. (۸)

در کشور ایران، اولین صندوق قرض الحسنه به صورت امروزی آن، در سال ۱۳۴۸ شمسی در مسجد قدیمی لرزاده تهران به نام «صندوق قرض الحسنه ذخیره جاوید» تأسیس شد و به تدریج صندوق‌های دیگری در نقاط مختلف کشور به ویژه در شهرهای مذهبی به وجود آمد. به طوری که تا پایان سال ۱۳۶۵ شمسی، تعداد کل صندوق‌های قرض الحسنه موجود در کشور به حدود ۲۲۰۰ واحد بالغ می‌شد. (۹)

قرض در قرآن کریم

در قرآن کریم، قرض در ردیف مسائلی چون صدقه، انفاق، زکات و نماز آمد، و این حاکی از اهمیت آن است. همان‌طور که نماز با تعالی روح و رشد عبودیت، موجب ارتباط با مبدأ هستی است و به جا آوردن آن موجب دوری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌گردد، قرض و صدقه و انفاق و زکات هم موجب تقرب به خداوند عالم می‌شود. در سوره توبه آیه ۱۰۳ خداوند می‌فرماید: ای پیامبر! از مؤمنان زکات بستان که مال و جان آنان پاک گردد. همچنین صدقه و زکات و انفاق، چه واجب و چه مستحب؛ تعالی بخش روح و اوج ارتباط انسان با خداوند است و علاوه بر این در جامعه تعدیل ثروت و توازن اجتماعی را به بار می‌آورد. (۱۰)

اگر روزی بشر به مرحله‌ای از رفاه اقتصادی برسد، باز هم برای این منظور قرض و صدقات و خمس و زکات لازم است. بحث از قرض در قرآن در ۵ سوره آمده است: بقره، مائده، تغابن، مزمل و حدید؛ و در مجموع در دوازده آیه بحث از قرض شده و در همه موارد «قرضاً حسناً» آمده است.

تفسیر آیه قرض الحسنه

این آیه با لحنی بسیار زیبا و احساس برانگیزی مردم را به کمک کردن به یکدیگر دعوت می‌کند و به آنان تذکر می‌دهد که وقتی کسی از مال خود انفاق می‌کند و مال خود را در اختیار نیازمندان می‌گذارد، به منزله‌ی این است که به خدا قرض داده باشد، روشن است که خدا نیازی به قرض ندارد و او بی نیاز مطلق است ولی با این تعبیر بندگان خود را به کمک کردن به یکدیگر تشویق می‌کند و می‌خواهد آن‌ها بدانند که این کار نیک آن‌ها بدون پاداش نیست و همان‌گونه که وقتی کسی به

کسی قرض بدهد، بدهکار در موقع خود بدهی را خواهد پرداخت در اینجا نیز خداوند خود را بدهکار چنین افرادی فرض می‌کند آن هم به این صورت که موقع پرداخت بدهی، آن را چندین برابر خواهد داد و کسی که به دیگران احسان می‌کند پاداش عمل خود را چند برابر مقابل آن خواهد یافت. در پایان آیه یک مطلب مهم را بیان می‌کند و می‌فرماید: این خداست که روزی کسی را می‌بندد و یا می‌گشاید. البته می‌دانیم آن خود از روی ضوابط و معیارهایی است که بعضی از آن‌ها را می‌دانیم و از جمله‌ی آن‌هاست کار کردن و تلاش برای کسی در آمد بیشتر که در غالب وارد باعث فراوانی روزی می‌شود. تنبلی و سستی و کم کاری باعث تنگدستی می‌شود ولی جز این‌ها ضابطه‌ها و معیارها و عوامل دیگر هم وجود دارد که ما از آن‌ها بی‌خبریم ولی به هر حال تنگی و گشادی روزی در دست خداست و همه به سوی او بر می‌گردند. (۱۱)

پاداش قرض

دو آیه از آیات قرض در سوره حدید

آیه ۱۱: «من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له و له اجر کریم».

کیست آن کس که به صورتی نیکو به خداوند قرض (وام) بدهد، تا آن را برای او دو چندان کند و مزدی نیکو (کریمانه) بهره‌ی او شود.

شرایط انفاق و قرض در راه خدا

در آیه یازدهم تعبیر از همه حساس‌تر است: خدا را وام گیرنده، و انسان‌ها را وام دهنده می‌شمرد، وامی که مسئله تحریم ربا در آن راه ندارد و چندین برابر تا هزاران برابر در مقابل آن پرداخته می‌شود، اضافه بر پاداش عظیمی که در هیچ اندیشه‌ای نمی‌گنجد!

این‌ها همه برای این است که بینش‌های انحرافی و انگیزه‌های حرص و آز و حسد و خودخواهی و طول امل را که مانع از انفاق است از میان ببرد، و جامعه‌ای بر اساس پیوندهای عاطفی و روح اجتماعی و تعاون عمیق بسازد.

تعبیر به (قرضا حسناً) در آیه فوق اشاره‌ای به این حقیقت است که وام دادن خود انواع و اقسامی دارد که بعضی را (وام نیکو) و بعضی را وام کم ارزش و یا حتی بی ارزش می‌توان شمرد.

قرآن مجید شرائط وام نیکو را در برابر خداوند یا به تعبیر دیگر (انفاق ارزشمند) را در آیات مختلف بیان کرده است، و بعضی از مفسران از جمع آوری آن ده شرط استفاده کرده‌اند.

۱ - از بهترین قسمت مال انتخاب شود نه از اموال کم ارزش یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض و لا تیمموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه الا ان تغمضوا فیه و اعلموا ان الله غنی حمید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از اموال پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، یا از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم انفاق کنید، و به سراغ قسمت‌های ناپاک برای انفاق نروید در حالی که خودتان حاضر نیستید آن‌ها را بپذیرید مگر از روی اغماض، و بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است) (۱۲)

۲ - از اموالی که مورد نیاز انسان است باشد، چنانکه می‌فرماید و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة: (آن‌ها دیگران را بر خود مقدم می‌دارند هر چند شخصاً شدیداً نیازمند باشند). (۱۳)

۳ - به کسانی انفاق کند که سخت به آن نیازمندند و اولویت‌ها را در نظر گیرد للفقراء الذین احصروا فی سبیل الله: (انفاق شما) مخصوصاً برای نیازمندیانی باشد که در راه خدا در محاصره قرار گرفته‌اند. (۱۴)

۴ - انفاق اگر مکتوم باشد بهتر است : و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خير لكم : (هرگاه آن‌ها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است) (۱۵)

۵ - هرگز منت و آزاری با آن همراه نباشد یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی : (ای کسانی که ایمان آورده‌اید انفاق‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید) (۱۶)

۶ - انفاق باید تواءم با اخلاص و خلوص نیت باشد ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله : (کسانی که اموالشان را برای جلب خشنودی خداوند انفاق می‌کنند) (۱۷)

۷ - آنچه را انفاق می‌کند کوچک و کم اهمیت بشمرد هر چند ظاهراً بزرگ باشد: و لا تمنن تستکثر: (به هنگام انفاق منت مگذار و آن را بزرگ مشمر) (۱۸)

۸ - از اموالی باشد که به آن دل بسته است و مورد علاقه او است لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون : (هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید) (۱۹)

۹ - هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکند، بلکه خود را واسطه‌ای میان خالق و خلق بداند: و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فيه : (انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است) (۲۰)

۱۰ - و قبل از هر چیز باید انفاق از اموال حلال باشد، چرا که خداوند فقط آن را می‌پذیرد: انما يتقبل الله من المتقين (خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می‌کند) (۲۱)

و در حدیث آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: لا یقبل الله صدقه من غلول (خداوند هیچ گاه انفاقی را که از طریق خیانت است نمی‌پذیرد).

آنچه گفته شد در واقع قسمت مهمی از اوصاف و شرائط لازم است، ولی منحصر به این‌ها نیست، و با دقت و تأمل در آیات و روایات اسلامی به شرایط دیگری نیز می‌توان دست یافت.

ضمناً آنچه گفته شد بعضی از شرائط (واجب) محسوب می‌شود (مانند عدم منت و آزار و تظاهر) و بعضی از شرائط کمال است (مانند ایثار به نفس در موقع حاجت خویشتن) که عدم وجود آن ارزش انفاق را از میان نمی‌برد هر چند در سطح اعلا قرار ندارد.

و نیز آنچه گفته شد گرچه در مورد انفاق (وام به خداوند) بود، ولی بسیاری از آن‌ها در مورد وام‌های معمولی نیز صادق است، و به اصطلاح از شرائط لازم، یا شرط کمال (قرض الحسنه) می‌باشد. (۲۲)

صدقه و قرض اختصاص به مردان ندارد

آیه ۱۸: «ان المصدقین و المصدقات و اقرضوا قرضاً حسناً یضاعف له و لهم اجر کریم».

خداوند به مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده‌ای که به خدا قرض الحسنه می‌دهند، نام برده شده که بیانگر تساوی مرد و زن در اجر اخروی این امر معنوی اجتماعی است.

این دو آیه از سوره حدید را که مورد توجه قرار دادیم. آیه‌ی قبل و آیه ۱۲ که مربوط به انفاق است، بیانگر اصلی کلی در سیستم اقتصادی است؛ یعنی اگر در جامعه‌ای به این سه موضوع (انفاق، صدقه و قرض) عمل شود، فاصله‌ی اقتصادی بین ثروتمندان و فقرا خصوصاً در معرف تا حدودی از بین می‌رود و تعادل و توازن اجتماعی به وجود می‌آید و جامعه از طهارت معنوی برخوردار می‌شود. بدیهی است که این سه موضوع نیز قابل جمع است، چون هر کسی - چه زن باشد چه مرد - هم می‌تواند انفاق کند، هم صدقه و هم قرض و زکات بدهد. چه خوب است، همان‌طور که صندوق‌هایی تحت عنوان

قرض الحسنه برای قرض تاسیس شده می شود، برای صدقه و انفاق هم صندوق هایی تاسیس گردد تا به صورت رسمی به این مهم همت گمارده شود.

وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمْ أَوْهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۲۳)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت؛ و از آن ها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم؛ و خداوند (به آن ها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آن ها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می پوشانم [می بخشم]؛ و شما را در باغ هایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ. (۲۴)

اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد؛ و خداوند شکر کننده و بردبار است!

مقصود از قرض دادن به خداوند

دو احتمال در این باره متصور است:

۱- خداوند خود را به جای محتاج و فقیر قرار داده و کسی که به نیازمندی قرض دهد، مثل این است که به خدا قرض داده است. البته خداوند می تواند فقیر را غنی کند، ولی همه ی امور طبق مشیت خداوند، واسطه و وسیله می خواهد و در اینجا اغنیاء را وسیله قرار داده تا آنان را بیازماید و موجبات کمال معنوی آنان را فراهم آورد.

۲- منظور از قرض دادن به خداوند قرض دادن به پیامبر و امام معصوم و پیشوایان مسلمانان است. به این بیان که مال خداوند به مصداق آیه ی خمس «فان لله خمس و لله الرسول و لذی القربی؛ خمس مال خدا و رسول و ذی القرباست» از آن رسول می باشد و در اینجا هم قرض به خدا قرض به خلیفه ی خداوند است که پیامبر است و بعد از آن حضرت، امام معصوم و در زمان غیبت نائب امام.

روایت معروف که قرض حسن یعنی صله به امام است آورده شود.

ثواب قرض دادن چند برابر است؟

در روایات آمده است که ثواب قرض دادن ۱۸ برابر است، اما اگر قرض را یکی از مصادیق انفاق بدانیم ثواب آن به هفتصد برابر و حتی بیشتر از آن می رسد.

خداوند در قرآن می فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ نَارٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یک صد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت)، وسیع، و (به همه چیز) داناست.

محسنین یعنی قرض الحسنه

إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۲۵) ما تو را از نیکوکاران قرار دادیم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیهی شریفه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای کسی که وارد مجلس می شد جای می داد و برای محتاج وام تهیه می کرد و از ضعفا طرفداری می نمود. (۲۶)

قرض الحسنه معروف است:

خداوند در قرآن می فرماید:

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ... (۲۷)

در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آن ها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله)، امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند.

در این آیه سه موضوع در کنار هم آمده است: صدقه، معروف و اصلاح میان مردم.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که مقصود از معروف در این آیه چیست؟ حضرت فرمودند: منظور قرض الحسنه است. (۲۸)

بنابراین قرض الحسنه خود مصداقی از معروف در لغت؛ یعنی، آنچه شناخته شده باشد و در مقابلش، آن چیزی است که شناخته نشده باشد. به بیان دیگر معروف، آن چیزی است که عقل و شرع به خوب بودن آن قضاوت کنند و چون قرض الحسنه موضوعی است که عقل آن را تحسین می کند لذا «معروف» نامیده شده است.

افزون بر آیهی فوق، حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت می فرماید: «انما حرم الله عزوجل الربا لکیلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف» (۲۹) خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از عمل به «معروف» محروم نشوند.

و در پایان به فلسفه ربای از لسان امام رضا علیه السلام اشاره می نمایم.

با توجه به اینکه آنچه در مقابل ربا قرار دارد قرض الحسنه است، در این حدیث از قرض به عنوان معروف نام برده شده است. قرض الحسنه بر (نیکی) است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (۳۰)

ترجمه: در نیکوکاری و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

بر شامل همه نیکی هایی است که عقل و شرع آن را تایید می کند. اثم هم شامل همه ی بدی هایی است که عقل و شرع، آن را ناپسند می شمارد.

قرض الحسنه مصداقی از بر و ربا هم که در مقابل قرض الحسنه است، مصداق اثم است و در قرآن هم از رباخواران به نام «کفار اثم» یاد شده است.

بنابراین قرض الحسنه مصداقی از بر است که در قرآن به آن دستور می دهد و ربا مصداقی از اثم است که خداوند از آن نهی می کند. (۳۱)

نسبت بین عنوان بر و قرض الحسنه در قرآن، از لحاظ منطقی «عموم و خصوص مطلق» است، زیرا هر قرض الحسنه ای بر است؛ اما هر بری قرض الحسنه نیست.

قرض الحسنه در سنت (در کلام اهل بیت علیهم السلام)

مؤمن خود را مقروض نمی کند

قرض خواستن بدون نیاز و اضطرار خلاف منش و شخصیت انسانی است و در روایات اسلامی قرض بدون حاجت مکروه دانسته شده است و اساساً هر فرد مؤمنی باید بکوشد تا خود را مقروض نکند، چه اینکه فردی که مقروض می‌شود، خود را در مقابل طلبکار کوچک می‌بیند و احساس سرافکندگی می‌کند و این، دور از کرامت ذاتی انسان است که خداوند به او داده و انسان را گرامی داشته است، مضافاً اینکه فرد مقروض، آسایش روحی و تمرکز فکر خود را از دست می‌دهد و چه بسا از انجام کارهای مثبت و مفید که نیازمند آرامش روحی است، باز ماند.

در قرآن مجید و احادیث متعددی که در دست داریم برای ادای قرض، ثواب زیادی بیان شده، اما از سوی دیگر، دریافت قرض، خاصه بدون نیاز مورد مذمت قرار گرفته است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که آن حضرت می‌فرماید: «ایاکم و الدین فانه شین الدین» (۳۲)

پرهیزد از مدیون شدن که آن موجب خواری دین می‌شود. همچنین از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است: «ایاکم و الدین فانه مذلّه بالنهار و مهمه باللیل» (۳۳) پرهیزد از اینکه خود را مدیون سازید که آن موجب ذلت روز و غم شب است.».

نتیجه طبیعی قرض گرفتن است بنابراین تا انسان تا ناچار نباشد بهتر است که قرض نگیرد.

ثواب قرض دادن

امام صادق علیه السلام نقل می‌نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که به مؤمنی قرض دهد و منتظر بماند تا پرداخت قرض برای او امکان پذیر شود، مال او پاکیزه می‌ماند و تا زمانی که قرض را برگرداند، فرشتگان بر او درود می‌فرستند» (۳۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ مسلمانی به خاطر خدا به مسلمان دیگر قرض نمی‌دهد، مگر اینکه زمانی که مالش باز گردد، خداوند پاداش او را همانند پاداش صدقه حساب می‌نماید. (۳۵)

امام صادق علیه السلام فرمودند: ثواب قرض هجده برابر است و اگر بمیرد آن مال جزء زکات حساب خواهد شد.

راوی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمودند: بیشتر دوست دارم قرض بدهم از اینکه همانند آن را ببخشم؛ و نیز فرمودند: کسی که قرض مدت دار بدهد و سر وقت قرض پرداخت نشود، هر روزی که از آن وقت می‌گذرد، ثوابی همچون ثواب یک دینار صدقه در هر روزی برای او خواهد بود. (۳۶)

امام صادق علیه السلام نقل می‌نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بیشتر دوست دارم هزار درهم را دو بار قرض دهم تا اینکه یک بار صدقه بدهم و همان‌طور که حلال نیست بدهکارت با قرض توانایی، پرداخت مالت را به تأخیر بیندازد، اگر می‌دانی توانایی ندارد، جایز نیست او را در فشار قرض دهی. (۳۷)

قرض الحسنه و صدقه

عن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله قال: کل قرض صدقه.

عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هر قرضی پیش خدا، صدقه محسوب می‌شود. (۳۸)

قرض سنت جاودان

فی خبر طویل عن الصادق علیه السلام: «اما الوجوه الاربعه (التي يلزمه فيها التفقه من وجوه اصطناع المعروف) فقضاء الدين، و العاريه، و القرض و اقراء الضيف واجبات في السنه» (۳۹)

امام صادق علیه السلام در روایتی طولانی و مفصل فرمود: اما انواع چهارگانه خبر عبارتند از:

۱- پرداخت بدهی؛ ۲- عاریه دادن؛ ۳- قرض دادن؛ ۴- مهمانی دادن؛

که این‌ها در سنت واجب است.

حکم قرض دادن و گرفتن

در روایات معتبره برای وام گرفتن ثواب‌های بسیار وعده داده شده، چنانچه در ترک آن هم عذاب‌های شدید ذکر گردیده و در بعضی موارد وام دادن واجب و ترک آن حرام و در پاره‌ای موارد قرض دادن مستحب و ترک آن مکروه است. ولی قرض گرفتن مکروه است در صورتی که احتیاج به گرفتن قرض نداشته باشد؛ و هرگاه محتاج به گرفتن قرض شود کراهت آن خفیف می‌شود و شدت و کمی کراهت تابع شدت و کمی احتیاج است. پس هر اندازه احتیاج کمتر باشد، کراهت قرض خواستن بیشتر می‌شود و هر اندازه احتیاج به قرض بیشتر شود، کراهت آن کمتر می‌گردد تا جایی که هیچ کراهت ندارد بلکه گاهی واجب می‌شود قرض بگیرند به اینکه امر واجبی مثل حفظ جان یا عرض بسته به وام گرفتن باشد. کسی که زمینه‌ی ادای دین ندارد، احتیاط آن است که قرض نگیرد و خود را مدیون نسازد مگر در صورت ضرورت.

ثواب وام دادن و عقاب ترک آن

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که به مؤمنی وام دهد و او را تا هنگام توانائی‌اش مهلت دهد، برای مالی که به وام داده، ثواب زکات برایش خواهد بود و ملائکه برایش دعا و طلب رحمت می‌نمایند تا هنگامی که طلب خود را دریافت نماید. (۴۰)

و نیز فرمود: کسی که وام دهد به برادر مسلمان خود، از برای او است به هر دره‌می که به قرض داده، هم وزن کوه احد از کوه‌های مکه معظمه و طور سینا، حسنات و اگر در مطالبه نمودن طلب خود از بدهکار، با او رفق و مدارا نماید، مانند برق جهنده روشن از صراط بگذرد بدون عذاب و معطلی حساب و کسی که برادر مسلمان‌ش حال خودش را نزد او شکایت کند، پس به او وام ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌فرماید در روزی که به نیکوکاران پاداش می‌دهد. (۴۱)

چاره‌ای از پرداخت بدهی نیست

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که مسامحه کند و از رساندن حق به صاحبش درنگ نماید در حالی که توانایی دارد، هر روزی که می‌گذرد گناه عشاری بر او است. (عشار کسی است که به امر ظالم از مردم ده یک می‌گیرد). (۴۲)

حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: کسی که در راه خدا شهید شد از هر گناهی پاک می‌شود مگر بدهی که کفاره ندارد، یا باید دینش پرداخت شود یا طلبکار ببخشد و گرنه شهید هم گرفتار بدهی‌اش هست. (۴۳)

و نیز می‌فرماید: نخستین قطره خونی که از شهید ریخته می‌شود، تلافی تمام گناهانش می‌شود مگر بدهی که علاجش منحصر

به پرداختن می‌باشد. (۴۴)

و برای اهمیت مطلب همین بس که مردی از انصار مُرد و دو دینار بدهکار بود، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او نماز نخواند تا اینکه بعضی از بستگانش ضامن شدند که بدهی او را بپردازند، آنگاه حضرت بر او نماز گذارد. (۴۵)

مروی است که معاویه بن وهب، این حدیث را بر حضرت صادق علیه‌السلام عرضه داشت فرمود: درست است و جز این نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرمود، برای آنکه مسلمانان اندرز بگیرند و اهمیت دین را بدانند و آن را کوچک نشمرده و به صاحبش رد کنند و گر نه هر یک از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه‌السلام و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام زمانی که از دنیا رفتند، مدیون بوده و به ادای دین خود وصیت فرمودند و پس از فوت هر یک وصی او دینش را اداء کرد. (۴۶)

و خلاصه معنی حدیث آن است مدیون بودن مذموم نیست و جایز است. چیزی که حرام است مسامحه کردن در ادای دین می‌باشد.

مؤمن خیانت نمی‌کند.

خیانت مانند دزدی صورت‌های متفاوتی دارد. یک مورد آن این خواهد بود که فردی از دیگری پولی قرض کند، ولی آن را به موقع نپردازد و بدهی خود را در بوته‌ی فراموشی اندازد.

ابو ثمامه به امام جواد علیه‌السلام عرض کرد: می‌خواهم مجاور مکه و مدینه منوره بگردم در حال که بدهکارم. حضرت فرمود: به محل خود برگردد تا بدهیت را بپردازی و مبدا از دنیا بروی و خدای را ملاقات کنی در حالی که بدهکار باشی زیرا مؤمن خیانت نمی‌کند. (۴۷) و اگر بتوانی بدهی‌ات را پرداخت کنی و نپردازی و به زیارت بروی، یک نوع خیانت است و مؤمن خیانت نمی‌کند... (فان المؤمن لا یخون) (۴۸)

نپرداختن بدهی، خیانت و ظلم به همه است

از این حدیث شریف معلوم می‌شود که حبس حقوق و مسامحه در ادای دین، خیانت است؛ و در حدیث نبوی آن را از مصادیق ظلم شمرده و می‌فرماید: مسامحه کردن مسلمانی که بر پرداخت بدهی‌اش توانایی دارد ظلمی است نسبت به مسلمین (۴۹)

ظلم بودنش نسبت به شخص طلبکار ظاهر است، ولی نسبت به سایر مسلمانان شاید از این جهت باشد که سبب می‌شود دیگران به مسلمانان قرض ندهند، از ترس اینکه مبدا مثل این شخص در پرداخت بدهی سهل‌انگاری کنند یا مالش تلف شود و به تعبیر دیگر مسامحه کردند در پرداخت دین با توانایی، باب خیر و معروف را سد می‌کند که از این به بعد کسی جرات نکند به دیگری قرض بدهد. در حالی که از بزرگ‌ترین خیرات است و سبب جلوگیری از همین شخص شده است.

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خدا لعنت کند بُرندگان راه خیر را؛ و آن کسی است که دیگری به او احسانی بکند و خیری برساند، پس او کفرانش کند و این امر سبب شود که آن شخص دیگر به کسی احسان ننماید» (۵۰)

و ظاهر است که قرض دادن احسان است و مسامحه کردن در پرداخت آن کفران و سبب می‌شود که دیگر آن شخص چنین احسانی به کسی نکند.

باید قصد پرداختن داشته باشد

در دنیای امروز دزدی به صورت‌های مختلف انجام می‌گیرد: عده‌ای سر گردنه دزدی می‌کنند، شاید بتوان گفت که این

دزدی، شجاعانه است. عده‌ای نیز پشت میز اداره با کم کاری و کار شکنی دزدی می کنند که می توان گفت: این نوع دزدی رذیلت‌هاست. همچنین عده‌ای قرض می گیرند، به شرط آنکه به موقع آن را بپردازند، ولی اهمیتی به پرداخت آن نمی دهند. این دزدی نیز خائنانه است.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «من استدان دینا فلم ینو قضاءه کان بمنزله السارق؛ کسی که قرض کند و قصدش این باشد که آن را نپردازد، همچون دزد خواهد بود» (۵۱)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«ایما رجل اتی رجلاً فاستقرض منه مالاً و فی نیته ان لا یودیہ فذلک اللص العادی؛ اگر شخصی از دیگری مالی قرض کند و نیت و قلبش این باشد که آن را نپردازد، یک نوع دزدی آشکار است» (۵۲)

بدهکاری که از پرداخت بدهی ناتوان است باید در قصدش باشد که در نخستین زمانی که توانایی پرداخت پیدا کرد، مسامحه نکند بلکه چنین نیتی را باید از همان ابتدا داشته باشد که اگر هنگام قرض گرفتن بخواهد ادای دین نکند تصرف کردنش در آن مال، از همان اول حرام است.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که قرض بگیرد و بخواهد که ندهد، دزدی است ستمگر. (۵۳) و نیز می فرماید: دزدها سه دسته‌اند: کسی که زکات مالش را ندهد، و کسی که مهریه‌ی زنش را بدهی واجب الاداء نداند و کسی که قرض بگیرد در بخواهد که نپردازد. (۵۴)

و نیز می فرماید: بدهکار هرگاه همش این باشد که بدهی‌اش را بدهد، خداوند دو ملک را کمک و یار او می کند تا دینش پرداخت شود و چنانچه قصدش سست شود، پس به همان مقدار از کمک و یاری خدا محروم است. (۵۵)

باید بدهکار عاجز را مهلت داد

در صورتی که بدهکار نمی تواند بدهی خود را حتی با فروش زائد بر مایحتاج، ادا کند بر طلبکار واجب است او را مهلت دهد تا وقتی که بتواند بپردازد و مطالبه کردن و بدهکار را در مشقت و سختی انداختن حرام است.

چنانچه در قرآن مجید می فرماید: «اگر تنگدستی پیدا شود پس (وظیفه) مهلت دادنی است تا هنگام گشادگی و فراض (یعنی اگر بدهکاری نتوانست وام خود را که هنگام پرداختش رسیده بپردازد، او را مهلت دهید تا توانایی پیدا کند) و اگر از بدهکار تنگدست صرف نظر کنید و مبلغی را که از او طلبکارید ببخشید، برای شما بهتر است اگر بدانید. (۵۶)

زیرا اگر طلب خود را بگیرید مثل سایر اموال از بین می رود، ولی اگر به او ببخشید، صدقه‌ای است که نزد خداوند بامانت است و از آن برای همیشه بهره می برید»

از این آیه شریفه دو چیز استفاده می شود: یکی وجوب مهلت به بدهکاری که از پرداخت بدهکاری که از پرداخت بدهی عاجز است و دیگری نیکویی بخشش و صرف نظر کردن از طلب و در روایات کثیره به هر دو موضوع است اشاره شده است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: برای بدهکارت حلال نیست که در حال توانایی، در پرداخت بدهی، مسامحه کند، همچنین بر تو هم حلال نیست او را در تنگدستی به زحمت بیندازی، وقتی بدانی از پرداخت وام ناتوان است. (۵۷)

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: پرهیزید از اینکه تنگ بگیرید بر یکی از برادران مسلمان خود، وقتی که از پرداخت بدهی خود ناتوان است، به سبب طلبی که از او دارید. زیرا پدر و مادر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: جایز نیست که هیچ مسلمانی بر مسلمانی تنگ بگیرد و کسی که مسلمانی را مهلت بدهد، خدای تعالی و را در سایه‌ی خود جای می دهد، روزی که جز سایه‌ی خدا سایه‌ای نباشد (یعنی در پناه رحمت و لطف خود روز قیامت او را جای می دهد. (۵۸)

و نیز فرمود: کسی که بخواهد خدا زیر سایه‌ی عرش خود جایش دهد، در روزی که سایه‌ای جز سایه خدا نباشد، باید بدهکار تنگدست را مهلت بدهد و از او مطالبه نکند یا اینکه طلبش را به او ببخشد. (۵۹)

حضرت باقر علیه‌السلام می‌فرماید: روز قیامت جماعتی زیر سایه عرش خدا جای می‌گیرند، در حالی که صورت‌هایشان از نور و لباسشان از نور و بر کرسی‌هایی از نور قرار دارند. پس منادی ندا می‌کند که این‌ها کسانی‌اند که در دنیا بر مؤمنین آسان می‌گرفتند و بدهکار تنگدست را مهلت می‌دادند، تا وقتی که بتواند بدهی خود را بپردازد. (۶۰)

افرادی باید خود را مقروض نمایند که قدرت پرداخت به موقع آن را داشته باشند، با این وصف، اگر مقروض یا بدهکار تنگدست بود و یا در هنگامی توانایی پرداخت آن را نداشت، باید طلبکار به او مهلت دهد و به او فشار نیاورد. امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

«لیس المسلم ان یعسر مسلماً...» (۶۱)

مسلمان نباید مسلمان دیگر را به سختی بیندازد.

همچنین آن حضرت فرموده است: کسی که تنگدستی را مهلت بدهد، خداوند روز قیامت بر سر او سایه می‌افکند، آن روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی خداوند نیست؛ و در روایت دیگری فرموده است: همان طور که شخص بدهکار نباید طلبکار را معطل کند، باید سر وقت طلب او را بدهد، همان طور شخص طلبکار خوب است که بدهکار تنگدست را مهلت بدهد. (۶۲)

از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است: خداوند در روز قیامت عده‌ای را زیر سایه‌ی عرش قرار می‌دهد که صورت‌هایشان از نور و بر کرسی‌هایی از نور می‌نشینند. در آن حال منادی صدا می‌زند که این‌ها قومی هستند که بر مؤمنان آسان گرفتند و شخص تنگدست را مهلت دادند تا متمکن شود و آنگاه پول خود را وصول کردند. (۶۳)

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«من اراد ان یظله الله فی ظل عرشه یوم لا ظل الا ظله فلینظر معسراً و لیدع له من حقه» (۶۴)

کسی که می‌خواهد در روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی عرش خداوند نیست، زیر سایه‌ی او قرار گیرد، باید به بدهکار مهلت دهد تا به فراخی رسد و یا از حق خود بگذرد.

این احادیث درباره‌ی کسی است که واقعاً تنگدست باشد، آن هم در مقطعی از زمان. اما کسی که همیشه تنگدست است، باید قرضش از بیت‌المال ادا شود و اساساً نباید قرض بخواهد و اگر هم بدهکار شد، باید طلبکار به او مهلت بدهد؛ باشد که خداوند در روز قیامت به او عنایت کند. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است:

«ما من مسلم اقرض مسلماً قرضاً حسناً یرید به وجه الله الا حسب له اجرها کحساب الصدقه حتی یرجع الیه؛ (۶۵) هر مسلمانی که به مسلمانی به نیت رضایت خداوند قرض الحسنه دهد، برای او تا زمانی که طلبش برگردد، ثواب صدقه می‌نویسند».

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«من اقرض مومناً قرضاً ینظر به میسوره کان ماله فی زکاه و کان هو فی صلاه من الملائکه حتی یودیبه؛ (۶۶) کسی که مؤمنی را قرض بدهد و به او مهلت بدهد، مثل این است که مال خود را زکات و صدقه داده باشد و خود آن شخص مهلت دهنده، هم در حال نماز جماعت با ملائکه‌ها باشد، تا زمانی که طلب او برگردد».

در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «من اقرض اخاه المسلم کان بدل درهم اقرضه وزن جبل احد من جبال رضوی و طور سیناء حسنات؛ (۶۷)

سپس آن حضرت فرمود: «و ان رفق به فی طلبه تعدی به علی الصراط کالبرق الخاطف اللامع بغير حساب و لا عذاب؛ (۶۸)

بعد از آن نیز فرمود: «من شکا الیه اخوه مسلم فلم یقرضه حرم الله عزوجل علیه الجنه یوم یجزی المحسنین» (۶۹)

کسی که به بردار مسلمانش قرض بدهد، به هر دره‌می، ثواب وزن کوهی از کوه‌های رضوی و طور سینا را دارد. اگر کسی با بدهکار خود مدارا کند و به او مهلت لازم را بدهد، او را از پل صراط همچون برق عبور می‌دهند و نه حسابی از او می‌خواهند و نه عذابی می‌بیند. اگر پولداری، برادر مسلمانش به او رو آورد و از او و قرض بخواهد و او ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و روزی که نیکوکاران پاداش می‌گیرند، او پاداشی دریافت نمی‌کند.

ثواب صدقه برای مهلت هر روز

کلینی از حضرت امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی بر منبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبران فرمود: ای مردم باید که حاضران به آن‌هایی که نیستند برسانند؛ کسی که مهلت دهد مرد پریشانی را، بر خدا است که هر روز ثواب تصدق به آن مال را در نامه‌ی عملش بنویسد تا وقتی که مال خود را دریافت نماید. (۷۰)

یعنی هر روزی که به او مهلت می‌دهد مثل این است که آن مقدار طلب خود را گرفته و در راه خدا انفاق کرده است. ضمناً باید دانست که از جمله موارد حبس حقوق ندادن خمس و زکات یا مسامحه کردن در پرداخت آن است و چون منع زکات از جمله گناهان کبیره‌ای است که بر آن نص خالص است، قریباً به طور استقلال ذکر می‌شود. خداوند تلافی می‌فرماید

مستفاد از روایات این است که بدهکار اگر پیش از پرداخت بدهی بمیرد و پس از او مالش بدهیش را نپردازد و صاحب حق او را نبخشد، در صورتی که هیچ تقصیری در پرداختن بدهی نداشته قرض را برای امر حرامی هم نمی‌خواسته و در ادا هم مسامحه نکرده، بلکه قصدش این بوده که آن را بپردازد و مالی هم نداشته که به آن وصیت کند پس خداوند روز قیامت از فضل خود طلبکارش را راضی می‌فرماید.

چنانچه محمد بن بشر و شهاب به خدمت حضرت امام صادق علیه‌السلام آمد و استدعا کرد که با شهاب که از جمله اصحاب آن حضرت بود درباره‌ی طلبی که از او داشت سخن بفرماید و دستور دهد با او سازش کند، تا وقتی که موسم حج بگذرد، و طلبش هزار دینار بود. آن حضرت شهاب را طلبیدند و فرمودند که تو حال محمد بن بشر را می‌دانی که از دوستان ما است و می‌گوید تو هزار دینار از او طلب داری و آن مبلغ خرج بطن و فرج نشده، بلکه دینی از او نزد مردم مانده و نقصانی چند کرده و من می‌خواهم تو او را حلال کنی. بعد از آن فرمود: شاید تو گمان می‌کنی که در عوض طلبت، حسناتش را به تو خواهند داد.

شهاب گفت: ما پیش خود چنین می‌دانیم.

حضرت فرمود: خدای تعالی کریم‌تر و عادل‌تر است از اینکه بنده‌ای به او تقرب بجوید و در شب سرما برخیزد و روز گرما روزه بگیرد یا طواف خانه خدا به جا آورد و بعد از آن خدای تعالی حسناتش را بگیرد و به تو هد و لیکن فضل الهی بسیار است و از فضل خود به مؤمن عوض می‌دهد. شهاب گفت: من او را حلال کردم. (۷۱)

از حسنات به طلبکار می‌دهند

در صورتی که در پرداخت وام مقصر بوده به اینکه قرض را برای مصرف حرامی گرفته یا در پرداخت آن کوتاهی کرده با اینکه می توانسته و پس از مردنش از مالش ادا نشده و طلبکار هم نبخشیده است در قیامت معادل دین از حسناش بر می دارند و به طلبکار می دهند و اگر حسناش نداشته باشد یا کم بیاورد، از گناهان طلبکار بر او می افکنند. (۷۲)

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: روز قیامت صاحب قرض می آید و شکایت می کند اگر بدهکار حسناش دارد برای طلبکار از او می گیرند و اگر ندارد گناهانش را بر او می گذارند.

و در روایات زیادی تصریح شده کسی که حق الناس بر عهده اش باشد نجات نمی یابد مگر پس از راضی شدن صاحبان حق که یا به برداشتن حسناش یا گذاشتن گناهان یا به شفاعت اهل بیت علیهم السلام خداوند به او پاداش دهد. (۷۳)

معاوضه به چقدر می شود؟

چگونگی معاوضه به اینکه در مقابل حق چه مقدار حسنه واقع می شود، خداوند و رسولش بهتر می دانند و راهی برای دانستن ما نیست و لزومی هم ندارد.

بلی در بعضی از روایات به پاره ای از مراتب آن اشاره شده چنانچه می فرماید: در برابر هر درهمی، ششصد نماز از مدیون گرفته شده و به طلبکار داده می شود. (۷۴) و نیز در برابر هر یک ششم از درهم نقره (درهم ۱۸ نخود نقره است) هفتصد نماز قبول شده می گیرند و به صاحب حق می دهند. (۷۵)

به هر حال بدهکار از دنیا رفتن خیلی سخت است. باید هر کس بکوشد که پیش از مرگ بدهی نداشته باشد و چنانچه از هر راهی عاجز باشد، سخت به اهل بیت علیهم السلام متوسل شود تا خصمای او را راضی فرماید.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: گناهی بزرگ تر (بعد از کبائر) که خداوند از آن ها نهی فرموده (از این نیست که شخصی بمیرد و بر او وام هایی از مردم باشد و چیزی نداشته باشد که با آن بدهیش را بپردازد. (۷۶)

و روزی پس از نماز به اصحاب خود فرمود: فلان شخص که شهیده شده بیرون بهشت متوقف است و نمی تواند وارد شود، به واسطه ی سه درهمی که به فلان شخص یهودی بدهکار است. (۷۷)

شتاب کردن در ادای دین مستحب است

چنانچه حبس حقوق و نپرداختن قرض حرام و از گناهان کبیره است، ادای دین و شتاب کردن در پرداخت آن در صورت مطالبه و توانایی، از بهترین واجبات خدا است و بر آن ثواب های بسیاری وعده داده شده است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که طلبکاران خود را راضی کند بهشت بر او واجب می شود بدون معطلی حساب و در بهشت همنشین حضرت اسماعیل خواهد بود. (۷۸)

و نیز می فرماید: در بدهی که شخص به طلبکارانش رد می کند، برایش از هزار سال عبادت و هزار بنده آزاد کردن و هزار حج و عمره به جا آوردن بهتر است. (۷۹)

و نیز فرمود: کسی که درهمی به صاحبان حق بر آورد کند، خداوند او را از آتش جهنم آزاد می فرماید و به هر دانی (یک ششم درهم) که داده ثواب پیغمبری به او می دهد و به هر درهمی که داد شهری از در سرخ در بهشت به او مرحمت می فرماید. (۸۰)

و نیز می فرماید: رد کردن یک درهم به صاحب حق بهتر است از روزه داشتن در روز و به پا ایستادن به عبادت در شب و کسی که بدهیش را رد کند، ملکی از زیر عرض او را ندا می کند که ای بنده عملت را از سر گیر که خداوند گذشته های تو را آمرزید. (۸۱)

با زکات می‌توان بدهی مقروضان را ادا کرد

یکی از بودجه‌های حکومت اسلامی، زکات است و مسئولیت جمع‌آوری آن به عهده‌ی حکومت اسلامی است. یکی از مصارف زکات، پرداخت آن به «غارمین» است. «غارمین» (ورشکستگان) کسانی هستند که در زندگی مقروض شده‌اند و قدرت پرداخت بدهی خود را ندارند؛ و حکومت اسلامی یا کسی که از جانب حکومت اسلامی نیابت دارد، موظف است با پرداخت زکات به بدهکاران، از آنان دستگیری کند.

از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت شده است:

اگر کسی که با سعی و کوشش، از راه حلال روزی به دست می‌آورد و خود و خانواده‌اش را اداره می‌نماید، تنگدست گردد، با توجه به اینکه برای تأمین معاش خود سعی و کوشش کرده است، بر خدا و رسول است که خرجی او را بدهند و اگر در گذشت، بر پیشوای مسلمین است که بدهی او را تأمین کند و اگر پیشوای مسلمین این وظیفه را انجام ندهد، گناهکار خواهد بود، زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: زکات برای مصرف فقرا بر مساکین و بدهکاران است. (۸۲)

همچنین از امام رضا علیه‌السلام سؤال شد که تا چه مدت باید به بدهکار مهلت داد؟ آن حضرت فرمود: تا روزی که خبر بدهکاری او به پیشوای مسلمانان برسد و او متوجه شود که این شخص بدهکار است و باید از سهم غارمین بدهی او را بپردازد. (۸۳)

از این حدیث و امثال آن به خوبی استفاده می‌شود که باید قرض بدهکاران بی‌علاج و درمانده از زکات پرداخت گردد و این کار هم به عهده‌ی نظام اسلامی است. همچنین از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: باید پیشوای مسلمان بدهی مؤمنان را به استثنای مهریه‌ی زنانشان بپردازد.

قرض الحسنه در سیره امام رضا علیه‌السلام

۱- قرض الحسنه و آخرت

قال الرضا علیه‌السلام: «وإذا مات رجل و له دين على رجل فإن أخذه وارثه منه فهو له و إن لم يعطه فهو للميت في الآخرة؛ وقتی طلبکار از دنیا برود، چنانچه وارث طلب را بگیرد، مال اوست و اگر داده نشود در آخرت به مرده و صاحب مالی مال تعلق می‌گیرد.» (۸۴)

وام گیرنده‌ی دزد

«و اعلم أنه من استدان دينا و نوى قضاءه فهو فى أمان الله حتى يقضيه فإن لم ينو قضاءه فهو سارق؛ کسی که قرض بگیرد در صورتی که تصمیم داشته باشد آن را پس بدهد، در امان خداست تا آن را اداء کند، ولی اگر تصمیم نداشته باشد آن را به صاحبش برگرداند، دزد محسوب می‌شود. (۸۵)

۲- برخورد با بدهکار

«إن كان لك على رجل حق فوجدته بمكة أو فى الحرم فلا تطالبه به و لا تسلم عليه فتفزع إلا أن تكون أعطيته حقك فى الحرم فلا بأس أن تطالبه فى الحرم؛ اگر از شخصی طلبکاری و او را در مکه یا در حرم یافتی، از او مطالبه مکن و بر وی سلام هم مکن؛ که از تو ترسان شود. بلکه اگر در محدوده‌ی حرم چیزی به وی دادی می‌توانی در آنجا مطالبه کنی. (۸۶)

روی عن فقه الرضا علیه السلام: «أن أجر القرض ثمانیه عشر ضعفًا من أجر الصدقه لأن القرض يصل إلى من لا يضع نفسه للصدقه لأخذ الصدقه؛ پاداش وام ۱۸ برابر بیش از صدقه است، زیرا قرض الحسنه باعث می‌شود که شخص به گرفتن صدقه دچار نشود.» (۸۷)

۳- فلسفه‌ی تحریم ربا

محمد بن سنان گوید: حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائل من نوشت:

علت تحریم ربا و نهی خداوند از آن از این جهت است که خداوند متعال از فساد اموال جلوگیری کرده و مردم را از مخلوط شدن مال آن‌ها به حرام بازداشته است.

هر گاه آدمی یک درهم را به دو درهم خریداری کرد یک درهم آن مشروع و درهم دیگر باطل است و خرید و فروش ربوی در هر حال برای فروشنده و مشتری موجب ضرر و زیان است.

پس خداوند متعال بنده خود را از ربا بازداشته تا صاحب مال گرفتار فساد و تباهی مال نگردد، همان طور که سفیه را از تصرف مالش منع کرده تا آنگاه که سفاهت او برطرف شده و قدر و قیمت مالش را بدانند، و از این رو خرید و فروش یک درهم را به دو درهم حرام فرموده است.

بعد از اینکه خداوند حرمت ربا را بیان کرده و در قرآن مجید حکم آن را فرموده هر کس این حرام را مرتکب شود و حکم خداوند را زیر پا گذارد مرتکب کفر شده است؛ و علت دیگر آنکه اگر در جامعه اسلامی رباخواری پدید آید، مردم خوبی‌ها را فراموش می‌کنند، و برای رسیدن به مال زیاد از هر گونه ظلم و اجحاف خودداری نخواهند کرد، و در نتیجه قرض الحسنه و اعمال نیک در جامعه از بین می‌رود، و فساد و تباهی و از بین رفتن اموال مردم و تلف شدن ثروت عمومی و انحصار آن پیش خواهد آمد. (۸۸)

نتیجه گیری

با توجه به سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله که در آخرین سال‌های حیات خود که فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»؛ و با تتبع و تحقیق در ثقل اکبر یعنی قرآن و ثقل اصغر یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به این نتیجه می‌رسیم که کسی که قرض دهد مانند این است که به خدا قرض داده‌ایم. خدایی که بی نیاز است و نیازی به پول و قرض دادن ما ندارد پس چرا قرض دادن به خدا می‌باشد این یعنی، این که اغنیاء به کمک و یاری مستمندان و فقرای جامعه بشتابند و گره از کار آنان و نمایند و خداوند هم در قبال این کار ثواب‌هایی مضاعف و پاداش‌هایی فراوان می‌دهد؛ و تا زمانی که شخص مؤمن نیاز به قرض ندارد نباید خود را بدهکار نماید زیرا قرض گرفتن بیهوده و بی نیاز موجب و غم و اندوه می‌شود ولی کسی که دخلش به خرجش نمی‌رسد می‌تواند قرض نماید و خدا هم به کسی که قرض می‌دهد وام بدون بهره می‌دهد، که این قرض الحسنه را بنا بر فرموده امام رضا علیه السلام در مقابل ربا قرار داده است، به هر درمی خداوند معادل کوه احد و طور سینا به او حسنات می‌دهد و از صراط عبور می‌نماید و کسی که قرض گرفته باید در پرداخت آن شتاب نماید و در اسرع وقت آن بدهی را پرداخت نماید تا دیگران هم بتوانند از آن استفاده نمایند چون کسی که قصد پرداخت آن را نداشته باشد خیانت نموده است و مؤمن هم خیانت نمی‌نماید و گره هم از مشکل دیگر برادران مسلمان باز می‌شود، و خداوند هم برای کسی که قرض داده روز قیامت تلافی می‌نماید و آن کسی که خیانت می‌نماید خداوند از حسناتش بر می‌دارد و به

او می‌دهد و تمام حسنات قرض گیرنده برابر با سیئات قرض دهنده می‌شود. به امید آن روز که در این جامعه‌ی ما و تمامی دنیا از وام‌های ربوی، نزول و ربا پاک شود و سنت حسنه‌ی الهی و نیکو که همان قرض‌الحسنه می‌باشد جایگزین آن شود؛ و این جامعه از فقر و بیکاری رخت بر بندد به شرطی که اغنیاء به این سنت الهی پایبند باشند.

پی نوشت ۱-ها:

۱-کَهِف/ ۱۷.

۲-تَغَابِن/ ۱۷.

۳-بقره/ ۲۶۲ و ۲۶۵.

۴-مَزْمَل/ ۲۰.

۵-قاموس قرآن/ ج ۵/ ص ۳۰۶-۳۰۷.

۶-حقوق مدنی، طاهری/ ج ۴/ ص ۳۳، حقوق مدنی، امامی، ج ۲/ ص ۱۹۳، فقه استدلالی/ ص ۳۰۶.

۷-معارف و احکام نوجوانان، ص: ۳۳۲/ حسین نجف آبادی.

۸-تاریخ پیامبر اسلام/ ابراهیم آیتی/ ص ۲۲۶.

۹-برگرفته از کتاب: پول، بانک، صرافی، محمد حسین ابراهیمی، فصل پنجم تعریف و شناخت «بانک».

۱۰-قرض‌الحسنه / ص ۲۳.

۱۱-تفسیر کوثر/ ج ۱/ ص ۵۶۵.

۱۲-بقره/ ۲۶۷.

۱۳-حشر/ ۹.

۱۴-بقره/ ۲۷۳.

۱۵-بقره/ ۲۷۱.

۱۶-بقره/ ۲۶۴.

۱۷-بقره/ ۲۶۵.

۱۸-مدثر/ ۶.

۱۹-آل عمران/ ۹۲.

۲۰-حدید/ ۷.

۲۱-مائده/ ۲۷.

۲۲-تفسیر نمونه / جلد ۲۳/ ص ۳۲۳ تا ص ۳۲۵.

۲۳-مائده/ ۱۲.

۲۴-تَغَابِن/ ۱۷.

۲۵-یوسف/ ۳۶.

۲۶-مشکاه الانوار/ ترجمه عطاردی/ ص ۱۹۹.

٢٨-الميزان/ج ٥/ص ٩٤، من لا يحضره الفقيه/ ترجمه غفاري/ ج ٢/ص ٣٦٤.

٢٩-وسائل الشيعة/ج ١٢/ص ٤٢٣.

٣٠-مائده/٢.

٣١-قرض الحسنه / ص ٣٥.

٣٢-وسائل الشيعة/ج ١٣/ص ٧٧.

٣٣-وسائل الشيعة/ج ١٣/ص ٧٧.

٣٤-ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه بندر ريگي/ ص ٢٩٧.

٣٥-همان.

٣٦-همان.

٣٧-همان.

٣٨-نهج الفصاحه/ ص ٦١١.

٣٩-بحار الانوار/ ج ٧٢/ ص ٤٥٩؛ تحف العقول/ ص ٣٣٧.

٤٠-ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ١٣٨؛ وسائل الشيعة/ باب ٦/ ج ١٨/ ص ٣٣٠ ح ٢٣٧٨٥؛ بحار الانوار/ ج ١٠٠/ ص ١٣٩، باب ١، ثواب القرض.

٤١-بحار الانوار/ ج ٧٣/ ص ٣٦٩، باب ٦٧؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ٢٨٩؛ وسائل الشيعة/ باب ٦/ ج ١٨/ ص ٣٣١.

٤٢-وسائل الشيعة/ كتاب التجاره، ابواب الدين، باب ٨/ ج ١٨/ ص ٣٣٣؛ بحار الانوار/ ج ١٠٠/ ص ١٤٦، باب ٣؛ جامع احاديث الشيعة/ ج ٣/ ص ٢٣، باب ٩/ ص ٧١٨.

٤٣-وسائل الشيعة/ باب ٤/ ج ١٨/ ص ٣٢٤، باب ٤؛ بحار الانوار/ ج ٩٧/ ص ١٠/ باب ١؛ حقائق الناظره، كتاب الدين/ ج ٢٠/ ص ١٠٢، كتاب الدين.

٤٤-من لا يحضره الفقيه/ ج ٣/ ص ١٨٣ باب الدين و القرض/ ح ٣٦٨٨؛ جامع احاديث الشيعة/ ج ٢٣/ ص ٧٠٦/ باب ٧.

٤٥-الكافي/ ج ٥/ ص ٩٣، باب الدين؛ من لا يحضره الفقيه/ ج ٣/ ص ١٨٢، باب الدين و القرض؛ مرآت العقول/ ج ١٤/ ص ٤٣/ ح ١.

٤٦-گناهان كبيره/ ج ٢/ ص ١٥؛ كافي/ ج ٥/ ص ٩٣، باب الدين.

٤٧-كافي/ ج ٥/ ص ٩٤، باب الدين.

٤٨-وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٢٥/ باب ٤؛ علل الشرايع/ ج ٢/ ص ٥٢٨، باب ٣١٢؛ من لا يحضره الفقيه/ ج ٣/ ص ١٨٣.

٤٩-وسائل الشيعة/ ابواب الدين/ ج ١٨/ ص ٣٤٣/ باب ١١؛ تهذيب الاحكام/ ج ٦/ ص ٢٢٦، باب ٨٨.

٥٠-گناهان كبيره/ ج ٢/ ص ١٦، وسائل الشيعة/ ج ١٦/ ص ٣٠٩، باب ٨، مستدرک الوسائل/ ج ١٢/ ص ٣٥٩، باب ١٨؛ من لا يحضره الفقيه/ ج ٢/ ص ٥٨، باب فضل المعروف.

٥١-الخصال/ ج ١/ ص ١٥٣؛ الكافي/ ج ٥/ ص ٩٩؛ روضه الواعظين/ ج ٢/ ص ٣٥٧؛ مجموعه ورام(تنبيه الخواطر)/ ج ٢/ ص ٢٢٧؛ الوافي/ ج ١٨/ ص ٧٨٧.

٥٢-وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٢٩، باب ٥؛ من لا يحضره الفقيه/ ج ٣/ ص ١٨٣؛ جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام/ ج ٢٥/

- ص ٤٢؛ جامع احاديث الشيعة/ ج ٢٣/ ص ٧١٦؛ روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه/ ج ٦/ ص ٥٢٢.
- ٥٣- گناهان كبيره/ ج ٢/ ص ١٨.
- ٥٤- وسائل الشيعة/ باب ٨ / ج ٢١/ ص ٢٦٨ و ج ٢٨/ ص ٢٩٣/ باب ٢٧؛ الخصال/ ج ١/ ص ١٥٣؛ تهذيب الاحكام/ ج ١٠/ ص ١٥٣، باب ١٠؛ الحياه با ترجمه احمد آرام/ ج ٦/ ص ٣٦٤.
- ٥٥- من لا- يحضره الفقيه / ج ٣/ ص ١٨٣؛ الكافي/ ج ٥/ ص ٩٥، باب قضاء الدين؛ وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٢٣٨، باب ٥؛ بحارالانوار/ ج ١٠٠/ ص ١٤٧، باب ٣.
- ٥٦- بقره/ ٢٨٠.
- ٥٧- وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٢٣٤، باب ٨ و ص ٣٦٦، باب ٢٥؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ١٣٩؛ درر الاخبار با ترجمه/ ص ٧١٢؛ مجموعه ورام(تنبيه الخواطر) / ج ٢/ ص ٢٦٥.
- ٥٨- گناهان كبيره/ ج ٢/ ص ١٩.
- ٥٩- وسائل الشيعة، ابواب الدين، باب ٢٥/ ج ١٨/ ص ٣٦٧؛ الكافي/ ج ٤/ ص ٣٥؛ من لا يحضره الفقيه/ ج ٢/ ص ٥٩؛ تفصيل وسائل الشيعة/ ج ١٦/ ص ٣١٩.
- ٦٠- وسائل الشيعة، ابواب الدين، باب ٢٥/ ج ١٨/ ص ٣٦٧؛ بحارالانوار/ ج ١٠٠/ ص ١٤٩، باب ٤؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ١٤٥.
- ٦١- وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٦٧.
- ٦٢- همان/ ٣٦٧.
- ٦٣- همان/ ٣٦٧.
- ٦٤- وسائل الشيعة، ابواب الدين، باب ٢٥/ ج ١٨/ ص ٣٦٧؛ الكافي/ ج ٤/ ص ٣٥؛ من لا يحضره الفقيه/ ج ٢/ ص ٥٩؛ تفصيل وسائل الشيعة/ ج ١٦/ ص ٣١٩.
- ٦٥- وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٣٠، باب ٦؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ١٣٨؛ بحارالانوار/ ج ١٠٠/ ص ١٣٩، باب ١.
- ٦٦- وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٣٠، باب ٦؛ الحقائق الناطقه/ ج ٢٠/ ص ١٦.
- ٦٧- وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٣١، باب ٦.
- ٦٨- وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٣١، باب ٦.
- ٦٩- وسائل الشيعة/ ج ١٨/ ص ٣٣١، باب ٦؛ الحياه با ترجمه احمد آرام/ ج ٦/ ص ١٥١؛ بحارالانوار/ ج ٧٣، باب ٦٧/ ص ٣٦٩؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ٢٨٩؛ تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة/ ج ١٦/ ص ٣٩، باب تحريم منع المؤمن.
- ٧٠- وسائل الشيعة، ابواب الدين، باب ٢٥/ ج ١٨/ ص ٣٦٨؛ الحياه با ترجمه احمد آرام/ ج ٦/ ص ١٥٠؛ من لا يحضره الفقيه/ ج ٢/ ص ٥٩؛ الكافي/ ج ٤/ ص ٣٦، باب انظار المعسر؛ تفصيل وسائل الشيعة/ ج ١٦/ ص ٣٢٠، باب ١٢.
- ٧١- گناهان كبيره/ ج ٢/ ص ٢١.
- ٧٢- همان/ ج ٢/ ص ٢١.
- ٧٣- همان/ ج ٢/ ص ٢١.
- ٧٤- گناهان كبيره/ ج ٢/ ص ٢٢.

- ۷۵- گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۲.
- ۷۶- گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۲؛ مستدرک الوسائل/ ج ۱۳/ ص ۳۹۳، باب ۴، باب الدین.
- ۷۷- گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۲.
- ۷۸- جامع الاخبار/ ص ۱۵۶ فصل ۱۱۸.
- ۷۹- جامع الاخبار/ ص ۱۵۶ فصل ۱۱۸.
- ۸۰- جامع الاخبار/ ص ۱۵۶ فصل ۱۱۸.
- ۸۱- جامع الاخبار/ ص ۱۵۷ فصل ۱۱۸؛ گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۵.
- ۸۲- قرص الحسنه/ ص ۵۶.
- ۸۳- وسائل الشیعه/ ج ۱۸/ ص ۹۲.
- ۸۴- فقه الرضا/ ص ۲۶۸، بحار الانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۱۵۶؛ بحار/ ج ۱۰۰/ ص ۲۵۶؛ مستدرک الوسائل/ ج ۱۳/ ص ۴۱۵/ باب نوادر.
- ۸۵- فقه الرضا/ ص ۲۶۸؛ بحار الانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۱۵۰.
- ۸۶- فقه الرضا/ ص ۲۵۳؛ بحار الانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۱۵۶.
- ۸۷- بحار الانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۱۴۰ و فقه الرضا/ ص ۲۵۶.
- ۸۸- اخبار و آثار امام رضا علیه السلام/ ص ۷۰۱-۷۰۲.

منابع

قرآن مجید

- ۱- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۳۳ جلدی، ناشر: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه ق، بیروت- لبنان.
- ۲- نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلدی، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه ق، بیروت- لبنان.
- ۳- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلدی وزیر، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه ق، قم.
- ۴- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، نشر: انتشارات هجرت، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶ ش، قم.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۲ ش، تهران.
- ۶- شهید ثانی، زین الدین بن علی، فقه استدلالی ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، امینی، علی رضا و دادمرزی مهدی، انتشارات: کتاب طه، چاپ دوازدهم، زمستان ۱۳۸۶ ش، قم.
- ۷- منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیهما السلام، الفقه- فقه الرضا، محقق/ مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام در قم، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه ق، مشهد.
- ۸- عطاردی، عزیز الله، مشکاه الانوار- ترجمه عطاردی، نشر عطارد، چاپاول، ۱۳۷۴ شمسی، تهران.
- ۹- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ناشر: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، قم.

- ۱۰- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری، علی اکبر، ناشر: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش، تهران.
- ۱۱- آیتی، ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات.
- ۱۲- ابراهیمی، محمد حسین، قرض الحسنه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش، قم.
- ۱۳- ابراهیمی، محمد حسین، پول، بانک، صرافی، انتشارات.
- ۱۴- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه ق، قم.
- ۱۵- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ناشر: انتشارات اسلامی، تهران.
- ۱۶- نجف آبادی، حسین علی، معارف و احکام نوجوانان، محقق/ مصحح: گردآورنده: ناصر مکاریان، ناشر: نشر سرایی، چاپ اول، ۱۴۲۳ ه ق، قم.
- ۱۷- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داودی، ناشر: دار العلم - الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه ق، لبنان - سوریه.
- ۱۸- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ناشر: دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ه ق، تهران.
- ۱۹- دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، نشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۷۸ ش، قم.
- ۲۰- شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، انتشارات رضی، چاپ اول، سال ۱۴۰۵ ق، قم.
- ۲۱- حجاری، سید مهدی/ حجازی، سید علی رضا و عیدی خسروشاهی، محمد، درر الأخبار با ترجمه، نشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، سال ۱۴۱۹ ق، چاپ اول.
- ۲۲- اخوان حکیمی - احمد آرام، الحیاه با ترجمه احمد آرام، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۸۰ ش، تهران
- ۲۳- محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ناشر: آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، قم.
- ۲۴- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، محقق/ مصحح: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، ناشر: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۵ ه ق، قم.
- ۲۵- شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ناشر: دار الرضی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، قم.
- ۲۶- شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، مترجم: محدث بندریگی، ابراهیم، ناشر: انتشارات اخلاق، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش، قم.
- ۲۷- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، محقق/ مصحح: محمد تقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه ق، قم.
- ۲۸- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) نشر: مکتبه فقیه، چاپ اول، قم.
- ۲۹- شیخ صدوق، الخصال، ناشر: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، قم.
- ۳۰- شیخ صدوق، خصال، ترجمه: محمد باقر کمره ای، ناشر: انتشارات کتابچی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، تهران.
- ۳۱- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه ق، تهران.
- ۳۲- اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق/ مصحح: سید حسین موسوی

- کرمانی - علی پناه اشتهاردی - سید فضل الله طباطبائی، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ه ق، قم.
- ۳۳- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، جامع احادیث الشیعه، ناشر: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه ق، تهران.
- ۳۴- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق / مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، ناشر: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت - لبنان.
- ۳۵- ابن فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، نشر: انتشارات رضی، چاپ اول، قم.
- ۳۶- ابن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ اول، سال ۱۳۶۶ ش، تهران.
- ۳۷- شیخ صدوق، علل الشرائع، ترجمه: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، نشر: انتشارات مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، قم.
- ۳۸- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق / مصحح: سید هاشم رسولی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه ق، تهران.
- ۳۹- پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، نشر: دنیای دانش، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۲ ش، تهران.
- ۴۰- کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، محقق / مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، ناشر: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه ق، اصفهان.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف،

سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب) تولید صدا نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۵۳۳۵)
ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰
۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده

بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بیدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین عليه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

